

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۱۰۳-۱۲۰
مقاله علمی پژوهشی

تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی

محمود صادقی علوی*

چکیده

قرن ششم هجری یکی از سده‌های مهم در تاریخ شهر کاشان محسوب می‌شود. در این دوره به سبب غلبه سلاجقه حامی مذاهب اهل سنت بر ایران و همچنین سابقه تشیع مردم کاشان، بازتاب اخبار مرتبط به این شهر در متون تاریخی این دوره چندان گسترده نبوده و به عبارت بهتر، بسیار محدود بود. اما در کنار متون تاریخی که توجهی به شهرهای شیعه‌نشین همچون کاشان نداشتند، برخی متون همچون متون ادبی نوشته شده توسط علمای شیعه‌مذهب این شهر به صورت غیرمستقیم، تاریخ این شهر در دوره مذکور را بازتاب داده‌اند. از این رو تاریخ اجتماعی کاشان در این دوره بر اساس دیوان ابوالرضا راوندی به عنوان یک متن ادبی-تاریخی که توسط یک عالم شیعی تألیف شده است، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت.

ابوالرضا راوندی که شاعری مدیحه‌سراست، ضمن مدحیات خود در این دیوان، به رخدادهای فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و تا حدودی سیاسی کاشان نیز در این دوره اشاراتی داشته است. در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، داده‌های تاریخی دیوان ابوالرضا راوندی بررسی و تحلیل شد و گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری که از دید مورخان عمدتاً درباری این دوره مغفول مانده بود، استخراج گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در این دوره بیشتر امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شهر کاشان متأثر از فعالیت‌ها و اقدامات متمولان بزرگ شهر در این دوره بوده است.

کلیدواژه‌ها: کاشان، تاریخ تشیع، ابوالرضا راوندی، دیوان ابوالرضا راوندی.

* استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / Alavi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱



۱. مقدمه

کاشان یکی از شهرهای باسابقه ایران در تاریخ تشیع است که سابقه حضور شیعیان در این شهر به نخستین قرون هجری می‌رسد (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۲۹۶؛ قمی، ۱۳۸۵: ۲۱۶، ۳۲۱ و ۵۹۶؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶-۸۷؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۰). پس از انقراض حکومت آل‌بویه، سلاجقه سنی مذهب به قدرت رسیدند. با به قدرت رسیدن سلاجقه، طبیعی بود که شهرهای شیعی چندان مورد توجه حکام این حکومت نباشد و به دنبال آن حوادث مرتبط با این شهرها در متون تاریخی این دوره که عموماً توسط مورخان نزدیک به دربار تألیف می‌شد، بازتاب نیافته یا بازتاب صحیحی نداشته باشد. کتاب *راحة الصدور و آية السرور* تألیف محمد بن علی بن سلیمان راوندی، از مورخان کاشانی عصر سلاجقه، مؤید این مطلب است. اگرچه مؤلف این کتاب از مردم بومی کاشان بوده و حتی معاصر او علمای شیعه مشهوری از خاندان راوندی در شهر کاشان حضور داشته‌اند، از آنجاکه مورخی سنی مذهب و نزدیک به دربار سلاجقه است، در کتابش *راحة الصدور* گرایش‌های مذهبی نویسنده به شدت نمایان است و در جای‌جای کتابش طعن و مخالفت با شیعه آشکار است. محقق برجسته، محدث ارموی در مقدمه *دیوان* ابوالرضا راوندی به این مسئله اشاره کرده و می‌نویسد کاشان یکی از مراکز مهم شیعی در دوران زندگی ابوالرضا راوندی است و نویسندگانی همچون راوندی صاحب *راحة الصدور*، شیعیان شهر کاشان را طعن و لعن کرده‌اند و اگر شخصیتی مثل ابوالرضا راوندی شرحی از تاریخ تشیع در این دوره ارائه نداده بود، تنها گزارش به‌جامانده از شیعیان در این دوره، گزارش‌های *راحة الصدور* بود (راوندی، ۱۳۳۴، مقدمه: له) که به‌قطع چنین گزارش‌هایی با نگاه‌های متعصبانه مذهبی، تصویری نادرست و ناقص از کاشان عصر سلاجقه ارائه می‌داد.

چنین نمونه‌هایی اهمیت تاریخ‌نگاری شیعی در مورد یک شهر شیعه‌نشین در دوران حکومت سنی مذهب را بیش از پیش نمایان می‌سازد. *دیوان* ابوالرضا راوندی دربردارنده موضوعات مختلفی در رابطه با شهر کاشان است که بدین سبب می‌توان این *دیوان* را تاریخ محلی کاشان در دوره سلاجقه توسط یک مورخ شیعی به شمار آورد (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۹۹: ۷۱-۹۰).

اگرچه ابوالرضا راوندی را شاعری مدیحه‌سرا خوانده‌اند (قاسم‌پور و سلامی راوندی، ۱۳۹۸، ۱۵۰-۱۵۱)، او از علمای بزرگ قرن ششم هجری است (ر.ک: مرعشی نجفی، بی‌تا: ۲۹-۳۷؛ راوندی، ۱۳۹۷: مقدمه؛ سمعانی، ۱۹۶۲: ۲۹۷-۲۹۸) که در *دیوان*ش در کنار مدح بزرگان مذهب همچون پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و مدح برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی

هم‌عصر خود، شرح فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را نیز تا حد زیادی مورد توجه قرار داده که این مسئله به ارزش تاریخی این دیوان شعر می‌افزاید. اهمیت تاریخی این اثر وقتی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم راوندی در دیوان خود جنبه‌های مختلفی از تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی وضعیت عمرانی شهر کاشان در قرن ششم را مورد توجه قرار داده و در برخی موارد به تفصیل به بیان آن‌ها پرداخته است. بیان نام و شرح فعالیت‌های برخی از رجال و بزرگان سیاسی و مذهبی و بیان اسامی برخی روستاها و محله‌های اطراف کاشان و حوادث مرتبط با آن در قرن ششم هجری، که در هیچ منبع تاریخی دیگری در این دوره یافت نمی‌شود، بر اهمیت تاریخی این اثر به‌ویژه در رابطه با تاریخ شهر کاشان در قرن ششم هجری می‌افزاید (ر.ک: مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۹۴). از این رو و بنا به اهمیت تاریخی دیوان ابوالرضا راوندی در خصوص تاریخ شهر کاشان در این دوره، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت فرهنگی-اجتماعی شهر کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی می‌پردازد. به جرئت می‌توان گفت اطلاعاتی که درباره موضوع فوق در دیوان ابوالرضا راوندی منعکس شده، در هیچ منبع تاریخی دیگری بازتاب نیافته است.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به مطالبی که در مقدمه این مقاله ذکر شد، شهر کاشان در دوره حکومت سلاجقه سنی مذهب مورد توجه مورخان این دوره نبوده است و نه تنها اثر اختصاصی در رابطه با تاریخ کاشان در این دوره وجود ندارد، بلکه به سبب شیعه بودن عموم مردم کاشان، اخبار مرتبط با این شهر در متون تاریخی این دوره هم بازتاب چندانی نداشته است.

در پژوهش‌های معاصر هم با بررسی که نویسنده انجام شده، تقریباً می‌توان گفت هیچ پژوهشی درباره موضوع فوق انجام نشده است. فقط مقاله «دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری» از نگارنده حاضر، به بیان اهمیت دیوان ابوالرضا راوندی در مورد تاریخ کاشان در قرن ششم پرداخته است. البته درباره ابوالرضا راوندی و فعالیت‌های علمی و ادبی وی پژوهش‌هایی انجام شده که ارتباطی با موضوع این پژوهش ندارد.

۳. دیوان ابوالرضا راوندی

دیوان این عالم راوندی دارای ۱۹۱۵ بیت شعر به زبان عربی است. ۵۵ بیت از اشعار این دیوان متعلق به دیگران است که از آن‌ها نقل قول شده و بقیه آن، اشعار خود ابوالرضا راوندی است



(راوندی، ۱۳۳۴: ۲۶۸؛ قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۱). این دیوان با تحقیق و تصحیح ارزشمند جلال‌الدین ارموی در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسیده است. این دیوان موضوعات مختلف را در خود جای داده، اما بخش زیادی از اشعار، مدح افراد مختلف است؛ از این‌روست که او را شاعری مدیحه‌سرا خوانده‌اند (قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۱۵۱). ابوالرضا در کنار مدح پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) در دیوان خود، برخی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برجسته معاصر خود را نیز مدح گفته است که در خلال مدح این افراد، اشاراتی به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نیز دارد که این اشارات بر غنای تاریخی این دیوان شعری می‌افزاید.

۴. اوضاع مذهبی و فرهنگی کاشان

یکی از مهم‌ترین مسائل در بررسی وضعیت فرهنگی یک منطقه، آگاهی بر فعالیت‌های مذهبی مردم آن منطقه است؛ از این‌رو در بیان شرایط فرهنگی شهر کاشان در دوره مد نظر باید در درجه نخست، وضعیت مذهبی این منطقه بررسی شود.

شهر کاشان سابقه‌ای طولانی در تاریخ تشیع دارد. ریشه‌های تشیع در این شهر را می‌توان در قرن نخست یا در نهایت، قرن دوم هجری یافت؛ یعنی زمانی که علی بن باقر(ع) به‌عنوان نماینده امام باقر(ع) به منطقه کاشان هجرت کرد و پس از مدتی در این منطقه به شهادت رسید. ثمره این سابقه وجود علمای بزرگ شیعه در دوره‌های مختلف تاریخی در این شهر است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۸، ۲: ۴۷؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۳۵). وجود این امامزاده در منطقه کاشان را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش فرهنگ شیعی در این منطقه دانست؛ اما به‌رغم اهمیت این موضوع در تاریخ تشیع، احتمالاً به‌دلیل اینکه شیعیان همیشه یک گروه مخالف عقیدتی جدی علیه حکومت‌های سنی‌مذهب در طول تاریخ اسلام بودند، هیچ‌گاه اخبار و اطلاعات مربوط به آن در منابع تاریخی به‌درستی بازتاب نیافته است. اگرچه در افواه عامه مردم داستان هجرت و شهادت این امامزاده به‌تفصیل بیان می‌شود، همه این اطلاعات مربوط به دوره‌های متأخر است (ر.ک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵: ۲۲؛ علوی علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۸۲).

یکی از جنبه‌های اهمیت دیوان ابوالرضا راوندی در رابطه با وضعیت مذهبی کاشان، اشاراتی است که او به بقعه این امامزاده دارد. گزارش ابوالرضا در مورد این امامزاده قدیمی‌ترین گزارش مکتوب موجود است. ناآگاهی از داده‌های تاریخی بسیار مفید دیوان ابوالرضا راوندی باعث شده تا برخی پژوهشگران معاصر، قدیمی‌ترین سند تاریخی مرتبط با این امامزاده را تذکره‌ای بدانند که مربوط به قرن دهم هجری است (ر.ک: علوی علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰)؛ درحالی‌که

راوندی در قرن ششم، شرح مفصلی از بارگاه این امامزاده و جایگاه آن بین مردم بیان کرده است. ابوالرضا در قصیده نونیه خود در مورد حمله سلاجقه به کاشان سخن می‌گوید که در ادامه حملات سلاجقه وقتی به منطقه اردهال می‌رسند، گزارشی هم درباره این بقعه ارائه می‌کند. براساس گزارش راوندی، سلاجقه پس از دیدن بقعه امامزاده علی بن باقر جرئت تعرض و تخریب آن را نداشته، لذا آسیبی به آن نمی‌رسانند.

استشعروا منه فقوض جمعهم
عن عرصیه هیئة الیدیان
فانفل عزمهم و لم یتجاسروا
ان یقدموا فیہ علی طغیان
(راوندی، ۱۳۳۴: ۸۳)^۱

چنین گزارشی از قرن ششم هجری در رابطه با جایگاه این امامزاده در منطقه و حتی فراتر از آن برای سلاجقه سنی مذهب که به آنجا حمله کرده‌اند، نشان‌دهنده این موضوع است که شهرت این امامزاده مانع از تعرض سلاجقه به بنای بقعه آن شده است. سلاجقه‌ای که در این حملات، چنان‌که اشاره خواهد شد، از تخریب مساجد هم فروگذار نکردند، اما به بقعه این امامزاده تعرضی نداشتند. چنین گزارش‌هایی مؤید این نکته است که اگرچه مستند تاریخی در مورد این امامزاده پیش از این تاریخ موجود نیست (ر.ک: صادقی: ۱۳۸۶، ۸۲-۸۷)، جایگاه آن در قرن ششم هجری در بین مردم محلی و همچنین مهاجمان سنی مذهب و علاوه بر آن، بازسازی عمارت این امامزاده در این دوره، همگی شواهدی است که نشان‌دهنده سابقه و پیشینه و شهرت این امامزاده در قرون نخستین هجری در این منطقه و به تبع آن، سابقه تشیع در منطقه کاشان است. راوندی در قصاید دیگری هم به بازسازی مقبره علی بن باقر و همچنین ساخت امکانات رفاهی در این منطقه برای زائران این مقبره اشاره می‌کند (ر.ک: همان: ۵۰ و ۱۲۵).

راوندی در قصیده دیگری که در مدح اصفهید علی بن قارن (حاکم مازندران) سروده، پیش از مدح او به بیان برخی از خصایص مذهب شیعه پرداخته و نام ائمه را به‌طور کامل ذکر کرده است.

ثم الامامة مهتدا مرتبة
من بعده لامیر المؤمنین علی
من بعده ابناه و ابنا بنت سیدنا
محمد ثم زین العابدین یلی
و الباقر العلم عن اسرار حکمته
و الصادق البر لم یکذب و لم یحل
(همان: ۱۵۵)^۲

چنین ابیاتی در دیوان ابوالرضا مؤید سابقه تشیع دوازده‌امامی در شهر کاشان است. راوندی همچنین در قصاید دیگری نیز به برخی مراسم مذهبی شیعیان و تبیین چگونگی آن‌ها پرداخته



است. سنت وقف یکی از سنت‌های دیرینه در تاریخ تشیع است که در این دوره در شهر کاشان مورد توجه بوده و برخی بزرگان کاشان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اوقافی داشته‌اند که راوندی از این مسئله نیز غافل نبوده و در قصاید مختلف این مسئله را مورد توجه قرار داده است.

و اراد الخیر یبقی بعده	جاریا منه علی خیر نظام
ففدا عمدا علی املاکه	نهضة منه الی اعلی مرام
یفق الاعلاق منها رغبه	فی ثواب یبقی مستدام
... فی الیتامی و الایامی و الاولی	اقبل الدهر علیهم بالاعرام

(همان: ۵۳)^۳

در این قصیده و قصاید دیگری، راوندی به موارد مختلف مصارف اوقاف مثل سرپرستی ایتام، زنان بیوه، رد مظالم، ساخت مساجد، مقابر، قنات‌ها، مدارس، حمام، کاروان‌سرا و... (ر.ک: همان: ۵۰-۵۳، ۵۵، ۹۴-۹۹،) اشاره کرده است. چنین اشاراتی نشان‌دهنده توسعه سنت وقف در جامعه شیعی شهر کاشان در این دوره و به تبع آن بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم شهر در این دوره است. طبیعتاً رسیدگی به خانواده‌های ضعیف و همین‌طور توسعه اماکن عام‌المنفعه در بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی و توسعه اماکن فرهنگی و مذهبی مثل مسجد و مدرسه در بهبود شرایط فرهنگی این دوره شهر کاشان، تأثیرگذار بوده است.

اعیاد مذهبی و سنتی نیز از جمله برنامه‌های فرهنگی و مذهبی کاشان در این دوره است که راوندی از اشاره به این موارد نیز غافل نبوده و در مناسبت‌های مختلف، این اعیاد مثل عید فطر و عید قربان و عید نوروز را به ممدوحان خود تبریک گفته و در رابطه با آن قصایدی سروده است (ر.ک: همان: ۲۷-۳۰، ۵۳ و ۱۷۳-۱۸۱). تبریک این اعیاد به افراد مختلف نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت این ایام برای مردم منطقه کاشان در قرن ششم هجری و برپایی مراسم خاص این اعیاد توسط مردم منطقه در این دوره است.

در دوره مورد نظر براساس اشارات و گزارش‌های راوندی مدارسی نیز در کاشان مشغول فعالیت‌های آموزشی هستند. راوندی در چند مورد به مدرسه مجدیه اشاره دارد. همان‌طور که از نام این مدرسه مشخص است، به‌ظاهر توسط مجدالدین که فعالیت‌های خیریه فراوانی داشته، بنا شده است. براساس این گزارش‌ها در طول دوران فعالیت این مدرسه نیز مجدالدین از طلبه‌ها و استادان مدرسه حمایت مالی می‌کرده است و ابوالرضا نیز که از علمای برجسته زمان خود و از مدرسین این

مدرسه بوده، در قصیده‌ای، ضمن مزاح، درخواست مقررری مدرسه مجدییه را از مجدالدین کرده است (ر.ک: همان: ۱۴۲).

۵. وضعیت اجتماعی مردم کاشان

از جمله مسائلی که در بیان تاریخ اجتماعی یک منطقه مورد توجه پژوهشگران تاریخ اجتماعی قرار می‌گیرد و عموماً از دید مورخان مغفول مانده، توجه به وضعیت عامه مردم و نقش آن‌ها در تاریخ است (ر.ک: زینلی، ۱۳۹۸: ۱۸). اگرچه هدف ابوالرضا راوندی از تألیف دیوان شعر خود، بیان تاریخ اجتماعی کاشان نبوده، در خلال اشعار خود به مواردی اشاره کرده که بیان‌کننده وضعیت اجتماعی مردم کاشان در دوره حیات اوست.

چنان‌که پیش‌تر به وضعیت مذهبی اشاره شد، یکی از موضوعاتی که مورد توجه ابوالرضا در دیوان او بوده، فعالیت‌های عام‌المنفعه است که عموماً در جامعه شیعی شهر کاشان در قالب وقف انجام می‌شده است. شهر کاشان که سابقه‌ای طولانی در تاریخ تشیع دارد، طبیعی است که در این دوره مورد بی‌مهری و یا کم‌توجهی حکام سنی مذهب سلاجقه قرار گیرد؛ اما براساس گزارش راوندی در این دوره بزرگان و متمولان شهر کاشان در راستای انجام خدمات اجتماعی و رفاهی، نقش برجسته‌ای داشته و عموماً متأثر از اندیشه‌های دینی و مذهبی در حوزه‌هایی مثل وقف و صدقه به امور اجتماعی به‌ویژه رسیدگی به قشر ضعیف جامعه پرداخته‌اند.

فعالیت‌های اجتماعی و رفاهی مردم کاشان به‌ویژه متمولان این دوره، اغلب در دو حوزه انجام می‌شده و این دو حوزه در دیوان ابوالرضا راوندی مورد توجه وی نیز قرار گرفته است. اشاره ابوالرضا به این موارد در دیوان خود، متأثر از چند مسئله می‌تواند باشد: اولاً توجه و فعالیت در این حوزه‌های اجتماعی در شهر کاشان در دوره مورد نظر و ثانیاً تبلیغ این‌گونه امور و همین‌طور مدح و ستایش افرادی که اقدام به این‌گونه فعالیت‌ها داشته‌اند.

دو حوزه مورد توجه در این قسمت از امور اجتماعی، یکی فعالیت‌های عمرانی در امور عام‌المنفعه است مثل سرمایه‌گذاری برای ساخت و نگهداری و اداره مساجد، مقابر، قنات‌ها، مدارس، حمام‌ها، کاروان‌سراها و اموری از این قبیل که همه مردم امکان استفاده از آن‌ها را داشته‌اند و دیگری رسیدگی به اقشار ضعیف اجتماعی مثل سرپرستی یتام، زنان بیوه، رد مظالم، تهیه جهیزیه برای دختران بی‌بضاعت و نمونه‌های مشابه آن است. درخصوص امر عام‌المنفعه یکی از شخصیت‌هایی که فراوان مورد توجه و مدح راوندی قرار گرفته، مجدالدین کاشانی است که از بزرگان کاشان در این دوره بوده و در همه زمینه‌های امور عام‌المنفعه فعالیت می‌کرده است:



مساجده داراته و قتیّه مدارسه خاناته و القناطر
قناطر لم یعقذن الا بهممه اذا اعتزمت لم تاب نثر القناطر
و مشهد صدق اودع الله بطنه ودیعه سرّ من الکرام اخیر
ابا الحسن ابن الباقر السید الذی غدا لعلوم الدین ابقر باقر^۴
(راوندی، ۱۳۳۴: ۵۲-۵۳)

ابوالرضا راوندی در ابیاتی که ذکر شد، به فعالیت‌های مجدالدین کاشانی در زمینه‌هایی همچون ساختن بناهای خیریه که مورد استفاده همه مردم قرار می‌گیرد مثل مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها، کانال‌های آب و احداث قنات‌ها اشاره کرده است. همچنین در قسمت دیگری از دیوان خود به حوزه دوم از فعالیت‌های اجتماعی انجام‌شده در این دوره در شهر کاشان و بازم توسط مجدالدین اشاره می‌کند و می‌نویسد:

اعان به الارامل و الیتامی علی از مات دهر هم الفروس
و زوجهن بالاکفاء حتی جلا من ماله الفی عروس^۵
(همان: ۶۱)

در این اشعار، راوندی به حمایت از اقشار ضعیف جامعه مثل بیوه‌زنان و یتیمان اشاره کرده و این قشر را مورد توجه قرار داده است.

اشاره به قحطی کاشان در این دوره هم از دید وی مغفول نمانده است. آنچه در رابطه با این قحطی در این دوره مورد توجه راوندی بوده، یکی پیامدها و سختی‌های متأثر از آن است که گریبان مردم کاشان را گرفته و دیگری حمایت‌های برخی از ثروتمندان شهر، از عموم مردم به‌ویژه فقراست (ر.ک: همان: ۹۴-۹۹).

طبقات و گروه‌های اجتماعی در هر جامعه و منطقه از موضوعاتی است که مورد توجه پژوهشگران تاریخ اجتماعی است. جنبه‌هایی از این موضوع مورد توجه راوندی ذیل حوادث مختلف بوده است. سادات یا منسوبین به خاندان پیامبر اکرم(ص) از جمله گروه‌ها یا طبقات اجتماعی‌اند که همواره در جهان اسلام و به‌ویژه در جوامع شیعی، جایگاه خاصی داشته‌اند. در شهر کاشان در قرن پنجم هجری نیز به‌دلیل سابقه دیرینه در تشیع، سادات همواره مورد توجه مردم منطقه بوده‌اند. راوندی در دیوان خود اگرچه به‌صورت مستقیم به جایگاه اجتماعی این گروه اشاره نمی‌کند، ضمن بیان اشعار در رابطه با حوادث دیگر به وضعیت این گروه نیز اشاره دارد.

راوندی وقتی ضمن قصیده تاریخی خود در رابطه با خرابی‌های سلاجقه در حمله به منطقه کاشان سخن می‌گوید، سادات منطقه راوند کاشان را نیز مورد توجه خاص قرار می‌دهد. او در ادامه

شرح حمله سلاجقه به این منطقه، چنین بیان می‌کند:

و دیار ساداتها الاجله هدموا فدیارهم و عراضهم سیان
 ماذا تری لهم یقول محمد و وصیه و البنیت و السبطان^۶
 (همان: ۸۴)

او در این اشعار، سادات منطقه راوندی را به صورت جداگانه مورد توجه قرار داده و نه در این قصیده و نه قصاید دیگر خود، از هیچ‌کدام از طبقات اجتماعی مردم کاشان در این دوره به صورت اختصاصی سخن نگفته است. راوندی در این قصیده ضمن اشاره به تخریب منازل سادات منطقه راوندی، سلاجقه را مورد بازخواست قرار داده و وصیت پیامبر(ص) و اهل بیتش در مورد این گروه را یادآور شده است. این اشارات راوندی در رابطه با سادات در منطقه کاشان در دوره سلاجقه چنین می‌نماید که در این دوره به‌رغم غلبه سلاجقه سنی‌مذهب بر ایران، در مناطق شیعه‌نشین همچون کاشان، سادات جایگاه خاصی بین مردم داشته و همواره به‌عنوان یک گروه اجتماعی خاص مورد توجه و عنایت ویژه مردم شیعه‌مذهب کاشان بوده‌اند.

۶. وضعیت سیاسی کاشان

به‌طور مشخص در دیوان ابوالرضا راوندی به تاریخ سیاسی کاشان و سیستم اداری این شهر، همچنین کیفیت اداره سیاسی آن اشاره نشده است. اگرچه تاریخ سیاسی مهم‌ترین نکته مورد توجه عموم مورخان بوده، گمان می‌رود به‌سبب شیعه بودن شهر کاشان، تاریخ سیاسی این شهر نیز در متون تاریخی این دوره بازتاب نیافته است (برای نمونه ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴، کل کتاب). چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، راوندی بیشتر شاعری مدیحه‌سراست و شخصیت‌های مختلف را در دیوان خود مدح کرده، اما در این مدحیات هیچ اشاره‌ای به حاکم کاشان و یا شخصیت‌های برجسته سیاسی که در شهر کاشان منصبی داشته باشند، نشده است.

ابوالرضا در دیوان خود، ارادت ویژه‌ای به مجدالدین کاشانی دارد که از شخصیت‌های متمول و درعین‌حال خیر شهر کاشان در این دوره است. در قسمت‌های قبل، به نمونه‌هایی از فعالیت‌های این شخصیت و همچنین مدح ابوالرضا راوندی از او اشاره شد. جایگاهی که ابوالرضا در دیوان خود برای این شخصیت و تأثیرگذاری او در کاشان ترسیم می‌کند، نشان‌دهنده آن است که اگر شهر کاشان در این دوره حتی حاکم سیاسی مستقلی هم داشته است، بازهم این مجدالدین کاشانی است که در بسیاری از امور شهر، چه سیاسی و چه فرهنگی و اجتماعی، تأثیرگذار بوده است. اگرچه مجدالدین کاشانی در سیستم اداری شهر به‌عنوان حاکم یا مسئول دیگری، جایگاهی ندارد، متأثر از

دیوان ابوالرضا می‌توان او را تأثیرگذارترین شخصیت در حوادث سیاسی و اجتماعی شهر کاشان در این دوره دانست؛ اگرچه شاید به سبب ارادت ویژه‌ای که ابوالرضا به این شخصیت دارد، شاید در مورد او اغراق نیز کرده باشد.

به فعالیت‌های اجتماعی و عمرانی مجدالدین کاشانی که مورد توجه ابوالرضا راوندی قرار گرفته است، پیش از این اشاره شد. در رابطه با برخی امور سیاسی و کلان‌شهر کاشان نیز ابوالرضا راوندی، مجدالدین کاشانی را تأثیرگذارترین شخصیت شهر کاشان معرفی می‌کند.

یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی که در شهر کاشان در این دوره اتفاق افتاده، حمله سلاجقه به آنجاست. این حادثه در متون تاریخ این دوره بازتاب چندانی نداشته (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۹۹: ۷۵-۸۰)، اما ابوالرضا راوندی در قصیده مفصلی این موضوع را مورد توجه قرار داده که ارزش تاریخی این دیوان را دوچندان می‌کند. در این قصیده ضمن بیان چگونگی غارت شهرها و روستاهای اطراف کاشان توسط سلاجقه، در ابیات پایانی، محاصره کاشان توسط سلاجقه و تلاش برای نفوذ به داخل شهر و غارت آن ذکر می‌شود که براساس گزارش ابوالرضا دیوارهای مستحکم شهر که پیش از این توسط مجدالدین بنا شده بود، مانع از فتح شهر توسط سلاجقه می‌گردد.

و تأمروا لیلا فشدوا عزمه
نفضت ولیتها علی قاسان
طافوا بها یتخافون بسورها
مترصدین لفرصة الامکان^۷
(راوندی، ۱۳۳۴: ۸۵)

در ادامه گزارش این واقعه توسط ابوالرضا راوندی و بیان تلاش سلاجقه برای فتح شهر، در نهایت مجدالدین با پرداخت هفت هزار دینار از اموال خود به سپاه سلاجقه، آن‌ها را از تصرف شهر کاشان منصرف می‌کند:

و بسبعة الاف منها فکهم
و اعاذهم من ذلّة و هوان
حتی ترضاهم بماقترحوا و لم
یک فیه بالوانی و لا المتوانی^۸
(همان: ۸۷)

چنین گزارش‌هایی از طرفی نشان‌دهنده جایگاه بالای این شخصیت در نظام سیاسی شهر کاشان در این دوره و از طرفی نشان‌دهنده علاقه و ابراز لطف ابوالرضا راوندی به مجدالدین است.

ابوالرضا راوندی در قصیده دیگری بر نقش و جایگاه مجدالدین در ثبات سیاسی و اجتماعی کاشان تأکید دارد. در این قصیده بیان می‌کند که حضور نداشتن مجدالدین در کاشان باعث فعالیت گسترده اراذل و اوباش در این شهر و غارت و به هم‌ریختگی اوضاع اجتماعی شهر شده است که

این اوضاع با بازگشت مجدالدین به شهر کاشان مرتفع شده و با حضور او، دوباره امنیت و آرامش در شهر برقرار شده است.

تولی الظلم و انجابه الظلام	ولاح الضوء و انفرج القتام
و اشرق فی السماء المجد بدر	تفری عن محاسنه الغمام
و کان الامر معدوقا بیوم	انی و لکل حامله تمام
و حل العدل و ارتحل التعدی	و عاد الخیر و انحجز الطغام
بهاءالمدین من عنت البرایا	له و بفضلہ اعترف الانام ^۹

(همان: ۱۵۱-۱۵۲)

چنین گزارش‌هایی مؤید این نکته است که اگر شهر کاشان در این دوره حاکم سیاسی هم داشته، این مجدالدین راوندی است که در بسیاری از حوادث و رویدادهای روز کاشان تأثیرگذار است.

اگرچه ابوالرضا راوندی به وضعیت سیاسی شهر کاشان به صورت مستقیم اشاره‌ای ندارد، از آنجاکه او شاعری مدیحه‌سراست، از مدح برخی رجال سیاسی این دوره غافل نبوده است. رجال سیاسی که به نحوی با کاشان مرتبط بوده و یا برای دوره‌ای در این شهر حضور داشته‌اند. قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی از جمله دیوان‌سالاران دربار حکومت سلاجقه است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱-۲۷؛ ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۵) که مورد توجه راوندی و در چندین قصیده ممدوح او بوده است. اولین قصیده از دیوان ابوالرضا در مدح این شخصیت است. در ابتدای این قصیده، راوندی اشاره کرده است که آن را در سال ۵۲۴ق یعنی وقتی درگزینی در اصفهان بوده، سروده است (راوندی، ۱۳۳۴: ۱-۴). ابوالرضا راوندی در سال ۵۲۷ق که درگزینی به همراه سلطان به کاشان می‌آید، نیز قصیده‌ای برای مدح او می‌سراید (همان: ۴). به درستی مشخص نیست که به چه دلیل راوندی مدح این شخصیت را گفته است. درگیری‌های سیاسی برخی رجال درباری با او (ر.ک: بنداری، ۱۳۵۶: ۱۴۶-۱۴۷ و ۲۰۱؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۹۷) یا اظهار تشیع درگزینی و قتل بعضی شخصیت‌های سنی مذهب (ر.ک: بنداری، ۱۳۵۶: ۱۷۸)، همچنین گرفتن صله (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۲۴)، می‌تواند از دلایل مدح این وزیر حکومت سلجوقی توسط ابوالرضا راوندی باشد.

شرف‌الدین ابونصر انوشروان بن خالد، از وزرای کاشانی و شیعه‌مذهب سلجوقیان نیز از جمله شخصیت‌های برجسته سیاسی دوران سلاجقه است که راوندی او را مدح کرده است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳، مقدمه: ۱۳؛ کاتب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۸۲-۲۸۶). او در این قصیده یکی از رجال سیاسی

حکومت سلاجقه را معرفی کرده که از بزرگان کاشان در قرن ششم هجری بوده و در مطلع قصیده از او به‌عنوان دوست خود یاد کرده است.

خلیلی ان لم تسعدا فدعانی فدونکما نادى الهوى فدعانی^{۱۰}
(راوندی، ۱۳۳۴، ۱۸-۱۵)

یکی دیگر از ادیبان و کارگزاران دربار سلاجقه، عزیزالدین ابونصر احمد بن حامد بن محمد مستوفی (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۸۳؛ حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۲۹۳) است که راوندی در قصیده‌ای او را مدح کرده است. او در مطلع قصیده اشاره می‌کند که پس از عزل مستوفی از مقام خود، این قصیده را در مدح او سروده است (راوندی، ۱۳۳۴: ۱۷-۲۴). ابوالرضا راوندی در دیوان خود در کنار افرادی که ذکر شد، شخصیت‌های سیاسی و علمی دیگری را نیز در آن مدح کرده است (ر.ک: همان: ۲۱-۱۹، ۳۸-۴۰، ۵۵-۵۹ و...). چنین گزارش‌هایی در دیوان ابوالرضا اگرچه مستقیماً وضعیت سیاسی کاشان در این دوره را مورد توجه قرار نمی‌دهد، اشاره به حضور برخی بزرگان دولت سلجوقی از جمله برخی وزرای این حکومت در شهر کاشان در این دوره و مرتبط بودن شخصیتی چون ابوالرضا با آن‌ها نشان‌دهنده جایگاه سیاسی شهر کاشان در این دوره است.

۷. نتیجه‌گیری

ابوالرضا راوندی ضمن مدحیات خود و همچنین سایر اشعار خود، به مناسبت‌های مختلف اشارات فراوانی به موضوعات مختلف تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری دارد؛ موضوعی که مورخان این دوره در متون تاریخی خود به آن توجه چندانی نداشته‌اند.

از آنجاکه دیوان ابوالرضا کتاب تاریخ نیست و با هدف تاریخ‌نگاری نیز نوشته نشده، به‌صورت مستقیم به مسائل تاریخی اشاره نکرده است. اشعار ابوالرضا راوندی در رابطه با تاریخ اجتماعی کاشان را می‌توان در سه حوزه عمده فرهنگی و مذهبی، اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی کرد.

با بررسی توصیفی-تحلیلی گزارش‌های ابوالرضا در رابطه با امامزاده علی بن باقر(ع) و ارادت مردم این منطقه در دوره مورد نظر به این امامزاده و همچنین مدحیات و اشاراتی که به نام و جایگاه ائمه(ع) دارد، به‌علاوه اشاره به اعیاد و سنت‌های مختلف شیعی که در این دوره در شهر کاشان مرسوم و معمول بوده، می‌توان دریافت در این دوره مردم کاشان از نظر مذهبی توجه ویژه‌ای به تشیع و آداب و رسوم مرتبط با آن داشته‌اند و می‌توان نتیجه گرفت با توجه با سابقه تشیع در این شهر و همچنین اشارات ابوالرضا به امامزاده علی بن باقر(ع) و جایگاه او در قرن ششم، در دوره مورد نظر، تشیع در منطقه کاشان تثبیت شده بوده و مردم کاشان عموماً شیعه بوده‌اند. درباره مسائل

فرهنگی نیز از دیوان ابوالرضا راوندی و مدحیات او از شخصیت‌های مختلف علمی و سیاسی و همچنین اشاره به مدرسه مجدیة کاشان در این دوره و تدریس خود او در این مدرسه و اهتمامی که متمولان کاشان به مسئله آموزش داشته‌اند، چنین می‌نماید که در این دوره به‌رغم اینکه مذهب مردم شهر کاشان با مذهب مورد حمایت حکومت وقت همسو نبوده، مسئله آموزش به‌ویژه در حوزه دینی بسیار در کاشان مورد توجه بوده است.

چنان‌که از دیوان ابوالرضا و مدحیات او برمی‌آید، توجه به امور عام‌المنفعه و رسیدگی به افشار ضعیف جامعه در قالب سنت اسلامی وقف در این دوره در شهر کاشان بسیار گسترده و مورد توجه است. اگرچه ابوالرضا در دیوان خود به طبقات مختلف اجتماعی شهر کاشان به‌صورت مستقیم اشاره نکرده، از محتوای اشعار او چنین برمی‌آید که در دوره مورد نظر علما و همچنین سادات جایگاه خاصی در جامعه شیعی شهر داشته‌اند.

تاریخ سیاسی به‌صورت مشخص مورد توجه ابوالرضا نبوده، اما اشاراتی که به نقش مجدالدین در کاشان در این دوره دارد و تأثیرگذاری این شخصیت در مهم‌ترین حوادث شهر را بیان می‌نماید، به نظر می‌رسد این شخصیت مؤثرترین و یا حداقل یکی از مهم‌ترین رجال شهر کاشان در این دوره است که در اداره سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. آن‌ها این مسئله را فهمیدند و جمعشان تضعیف شد از مشهد او به اعتبار دین عزم آن‌ها شکست و جرئت جسارت نکردند که با استبداد به آن جسارت کنند.
۲. سپس امامت را امیرالمؤمنین علی (ع) در مرتبه بعد از خود به او داد پس از او دو پسرش و پسران دختر مولایمان محمد و سپس زین‌العابدین به دنبالش آمدند. باقر به اسرار حکمت خود علم دارد و صادق نیکوکار و درستکار که دروغ و جایز نگفته است.
۳. و هرکه خواهان نیکی باشد، با بهترین نظم و انضباط از آن پیروی می‌کند. پس به‌عمد اموالش را داد تا او را به بالاترین هدف برساند. این بخشش از تمایل به پاداشی ناشی می‌شود که پایدار بماند... در رابطه با یتیمان، بیوه‌زنان و کسانی که روزگار بر آن‌ها سخت گرفته بود.
۴. مساجد و خانه‌هایش و مدارس و مسافرخانه‌ها و پل‌ها، پل‌هایی که جز با عزم و اراده او ساخته نمی‌شد، و نیز از آثار او مشهد صدقی است که خداوند در آن امانت گذاشته سر خود را که از بزرگان و خوبان است؛ یعنی ابالحسن فرزند امام باقر بزرگوار آنچنان‌که شکافت علوم دین را شکافته‌تر از هر شکافته‌ای.
۵. او در مواقع پریشانی ابدی به زنان بیوه و یتیمان کمک می‌کرد. او آن‌ها را به ازدواج مردان سازگار

- درآورد تا اینکه دو هزار عروس با دارایی خود مزدوج کرد.
۶. و دیار بزرگان سادات را ویران کردند و آن را با خاک یکسان کردند؛ ساداتی که در رابطه با آنها محمد و وصی او و دخترش و نوه‌هایش سفارش کرده بودند.
۷. شبانه توطئه کردند و عزم او را تقویت کردند و او ولایت خود را از کاشان برداشت. آنها از ترس دیوارهایش دور آن حلقه زدند و منتظر فرصتی بودند.
۸. و با هفت هزار دینار شهر را آزاد کرد و از ذلت حفظ کرد تا زمانی که به آنچه ایشان پیشنهاد کرد، راضی شدند.
۹. ظلم و ستم را فراگرفت، تاریکی پدید آمد، نور پدیدار شد و تاریکی شکست و شکوه یک ماه کامل در آسمان می‌درخشید و فضایل خود را از ابرها پنهان می‌کرد و امر مقرر شده در روز «من و هر زن حامله» برآورده خواهد شد. عدالت آمد، ظلم رفت، نیکی بازگشت و ظلم برطرف شد. سوگند به این دین کسی است که پرهیزگاری بر او دشوار است و به فضل او مردم تصدیق می‌کنند.
۱۰. دوست من اگر خوشحال نیستی، پس مرا فراخوان؛ پس بدون تو شور و اشتیاق تو مرا صدا زد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- بنداری، فتح بن علی. (۱۳۵۶). *تاریخ سلسله سلجوقی*. ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: نشر علم.
- حسینی خاتون‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۲). *وقایع السنین و الاعوام*. تصحیح محمدباقر بهبودی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی. (۱۳۳۴). *دیوان*. تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: چاپخانه مجلس.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی. (۱۳۹۷). *ضوء الشهاب*. تحقیق حسن قاسمی. تهران: بی‌نا.
- راوندی، محمد بن علی. (۱۳۶۴). *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*. تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
- رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۸۶). *جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)*. تصحیح محمد روشن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- زینلی، بهمن. (۱۳۹۸). *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



تاریخ اجتماعی کاشان در قرن ششم هجری بر مبنای دیوان ابوالرضا راوندی، محمود صادقی علوی

سمعانی، عبدالکریم بن محمد. (۱۹۶۲). *الانساب*. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی. حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانية.

شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین. (۱۳۷۷). *مجالس المؤمنین*. تصحیح احمد عبد منافی. تهران: اسلامیه.

صادقی، مصطفی. (۱۳۸۶). *کاشان در مسیر تشیع*. قم: شیعه‌شناسی.

صادقی علوی، محمود. (۱۳۹۹). *دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری*. فصلنامه علمی پژوهشی *تاریخ اسلام*، ۱۰(۳۸)، ۷۱-۹۰.

ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۳۲). *سلجوق‌نامه*. تهران: کلاله خاور.

قاسم‌پور راوندی، محسن، و سلامی راوندی، محمد. (۱۳۹۸). نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه. *دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی*، شماره ۲۲، ۵۵-۸۰.

علوی علی‌آبادی، فاطمه‌سادات، سپهری، محمد، و واسعی، سید علیرضا. (۱۳۹۶). رازکاوی مهاجرت علی بن باقر(ع) به کاشان و پیامدهای آن. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۷(۲۵)، ۷۷-۹۶.

قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۵). *تاریخ قم*. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

قمی، نجم‌الدین ابوالرجا. (۱۳۶۳). *تاریخ الوزراء*. تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کاتب اصفهانی، عمادالدین. (۱۳۷۵ق). *خریة القصر و جریة العصر*. بغداد: مجمع علمی العراقي. مدنی کاشانی، عبدالرسول. (۱۳۹۵). *شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی ابن امام محمد باقر(ع)*. کاشان: مرسل.

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. (بی‌تا). *لمعة النور و الضیاء فی ترجمة السيد ابی الرضا*. به اهتمام فخرالدین نصیری امینی. چاپخانه حیدری.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد. (۱۳۸۵). معمای قریه هراسکان و ملاحظاتی درباره چند نام جغرافیایی در قصیده نونیه راوندی. *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۴۴ و

۴۵، ۱۸۳-۱۹۴.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۴۰۸ق). *رجال نجاشی*. تحقیق محمدجواد نائینی. بیروت: دارالاضواء.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.



References

- Alavi Aliabadi, F. Sepehari, M., Wasehi, A. (2016). The investigation of the migration of Ali Bin Baqir to Kashan and its consequences. *Research Journal of Islamic History*, 7(25), 77-96. [In Persian]
- Bandari, F. (1977). *History of the Seljuq Dynasty*. translated by Mohammad Hossein Jalili Kermanshahi. Tehran: Farhang Iran Foundation. [In Persian]
- Hosseini Khatunabadi, A. (1973). *Vaqai al-Sunnin and Al-Awam*. edited by Mohammad Baqer Behboodi. Tehran: Islamic Bookstore. [In Persian]
- Ibn Athir, A. (1965). *Al-Kamal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Jafarian, R. (2008). *History of Shiism in Iran*. Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
- Katib Esfahani, E. (1955). *Khirida al-Qasr and Jarida al-Asr*. Baghdad: Majmall Al-Iraqi . [In Arabic]
- Madani Kashani, A. (2015). *Description of the life and martyrdom of Hazrat Sultan Ali Ibn Imam Muhammad Baqir*. Kashan: Mursal. [In Persian]
- Marashi Najafi, Sh. (Bita). *Lomea al-Nur and al-Diyaa in the translation of Al-Sayyid Abi al-Reza*. by Fakhruddin Nasiri Amini. Heydari Printing House. [In Arabic]
- Mashhadi Noushabadi, M. (2006). The Mystery of Haraskan Village and Some Considerations About Some Geographical Names in Nunyeh Rawandi's Poem. *Isfahan University Faculty of Literature and Humanities Quarterly*, No. 44 and 45, 183-194. [In Persian].
- Najashi, A. (1987). *Rijal*. research of Mohammad Javad Naini. Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
- Qasimpour Rawandi, M., & Salami Rawandi, M. (2018). The role of Seyyed Abulreza Rawandi in the expansion of the Shia hadith heritage. *two scientific quarterly journals of Kashanology*, no. 22: 55-80. [In Persian]
- Qomi, H. (2006). *History of Qom*. researcher: Ansari Qomi, Mohammad Reza, Qom, Grand Library of Hazrat Ayatollah Al-Azami Murashi Najafi. [In Persian]
- Qomi, N. (1984). *Tarikh al-vozara corrected by Mohammad Taqi Daneshpajoh*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Rashid al-Din Fazalullah (2007). *Jame al-Tawarikh (History of the Seljuqs)*. revised by Mohammad Roshan. Tehran: Written Heritage Research Center. [In Persian]
- Ravandi, A. (1955). *Divan*. edited by Jalaluddin Mohhaddeth Ermoi. Tehran: Majlis Printing House. [In Arabic]
- Ravandi, A. (2017). *Lighth al-Shahab*. research by Hassan Ghasemi. Tehran. [In Arabic]
- Rawandi, M. (1985). *Raha al-Sudor and Ayah al-Suror in Tarikh al-Saljuq*. revised by Muhammad Iqbal, Mojtaba Minavi. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Sadeghi Alavi, M. (2019). *Abulreza Rawandi's Divan*. the local history of Kashan in the sixth century of Hijri, scientific research quarterly of Islamic history, 10(38), 71-90. [In Persian]
- Sadeghi, M. (2007). *Kashan on the path of Shiism*. Qom: Shiismology. [In Persian]
- Samaani, A. (1962). *Al-Ansab*, research by Abdul Raman bin Yahya Maalami. Hyderabad: Al-Othmaniyah Encyclopaedia Majlis. [In Arabic]
- Shushtri, N. (1998). *Majlis al-Mu'minin*. revised by Ahmad Abd Manafi. Tehran: Islamia. [In Persian]
- Yaqut Hamwi, Y. (1995). *Ma'jam al-Baldan*. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]



- Zahiri Neishabouri, Z. (1953). *Seljuqnameh*. Tehran: Kalala Khavar. [In Persian]
Zainli, B. (2019). *Local Historiography of Iran in the Islamic Period*. Qom: Hozha Research Institute and University. [In Persian]

Social History of Kashan in the 6th A.H. Based on Abu al-Reza Ravandi's Divan

Mahmood Sadeghi Alavi

Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran; Alavi@pnu.ac.ir

Received: 28/10/2023

Accepted: 01/03/2024

Introduction

Kashan is one of the oldest cities in Iran in the history of Shiism, and the history of the presence of Shiites in this city dates back to the first centuries A.H. After the overthrow of the Al-Buyeh dynasty, the Sunni Seljuqs came to power. With Seljuqs's coming to power, it was natural that the Shiite cities were not given much attention by the rulers of this dynasty, and, thus, the events related to these cities, which were generally written by historians close to the court, were not to be reflected in the historical texts of this era. Although Abu al-Reza Rawandi was considered a praise poet, he was one of the great scholars of the 6th H.A. The historical importance of this work became more evident when it was understood that in his work, Ravandi paid much attention to various aspects of the political, social, cultural history, and even the civil status of the city of Kashan in the 6th H.A. In some cases he expressed these events in detail. These descriptions of the political, cultural, and social activities of Kashan added up to the historical value of this Divan of poetry.

Materials and Methods

The historical data of Abu al-Reza Ravandi's poetry are the most important materials used in this research. Ravandi expressed historical reports in many of his verses. In this research, the historical data of Abu al-Reza's work regarding Kashan in the 6th H.A. has been extracted and analyzed in a descriptive- analytic way using a library study.



10.22052/KASHAN.2024.253492.1090

Results

Abu al-Reza Ravandi's poetry in relation to the social history of Kashan was classified into three main cultural and religious, social, and political categories. According to the history of Shiism in Kashan as well as Abu al-Reza's references to Imamzadeh Ali Ibin al-Baqir and his position in the sixth A.H., Shiism was established in the Kashan region during that period, and the people of Kashan were generally Shiites. In relation to cultural issues, it was also concluded from Abu al-Reza Ravandi's verse, his odes about various scientific and political figures of , as well as his referring to the Magdiya School of Kashan, and his own teaching there that Kashani people paid much attention to the issue of education. In this period, despite the fact that the practicing religion of Kashani people was not aligned with the religion endorsed by the government, the issue of education, especially in the religious field, was of great interest in Kashan. Reading his Divan, on can observe that the attention that paid to public affairs and to the support of the weak sections of the society, in the form of the Islamic tradition of endowment, was very widespread and important in this period in Kashan. Political history was not of Abu al-Reza's real concern, but his references to the role of Majd al-Din in Kashan in this period and the impact of this character on the most important events of the city, showed that this character is the most effective or at least one of the most important men of the city. It was during this era that he played a very significant role in the political, cultural, and social administration of the city.

Keyword: Kashan, history of Shiism, Abolreza Rawandi, Abolreza Rawandi's Divan.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی